این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آینه نفس

لذت هم‌صدایی با هستی در نیمه‌های شب...

استاد شهید مرتضی مطهری(ره):
به خدا قسم لذاتی که یک مرد با ایمان در آن وقت شب که بلند می‌شود و چشمش به آسمان پر ستاره می‌افتد و این چند آیه قرآن از سوره آل عمران را «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ...» که صدای هستی است و از قلب وجود برخاسته است می‌خواند و با هستی هم‌صدا می‌شود، احساس می‌کند، برابر است با یک عمر لذت مادی در این دنیا.
منبع: کانال رسمی «بنیاد شهید مطهری» در تلگرام به استناد کتاب احیای تفکر اسلامی، صفحه ۹۹

پیشنهادی جذاب برای ایران اینترنشنال!

سیده راضیه حسینی با اشاره به کنایه رهبر معظم انقلاب به برخی کشورهایی که تاکنون تجربه هیچ رأی‌گیری‌ای نداشته‌اند، نوشت: آقای ایران اینترنشنال! میشه یه برنامه بسازید در مورد اینکه آیا مردم توی عربستان سعودی فرق بین صندوق رأی و صندوق میوه رو میدونن؟ یکی از جذاب‌ترین خروجی‌هاتون میشه!

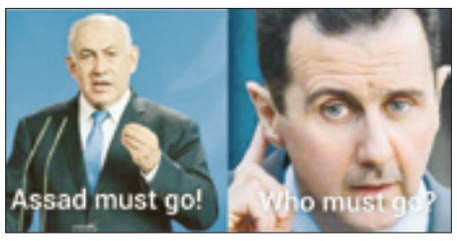

نتانیاهو هم به زباله‌دان تاریخ پیوست

فرشاد مهدی‌پور توئیت کرد: نتانیاهو هم رفت؛ جلاد بزرگ مردان و زنان آزاده در سراسر جهان که چه جنایت‌هایی نکرد. او کنار گذاشته شد، همچون ترامپ ملعون و ان‌شاءالله به‌زودی به درک واصل شود، اما اسد، دشمن قدیمی‌اش همچنان هست و نتانیاهو به زباله‌دان تاریخ پیوست.

نقاشی ورود امام رضا(ع) به نیشابور هنگام نقل حدیث سلسلة الذهب

صفحه اینستاگرامی «دانش سیاست» با انتشار نقاشی فوق که اثر هنرمند «حسن روح‌الأمین» در سال ۱۴۰۰ است، نوشت: نقاشی رنگ و روغن روی بوم درباره واقعه ورود امام رضا(ع) به نیشابور که ایشان هنگام ورود به آن شهر، حدیثی را از پدرانشان نقل کردند که به سلسلة الذهب مشهور شد.
حدیث سلسلة الذّهب حدیث قدسی منقول از امام رضا(ع) در باب توحید و شروط آن است. امام رضا (ع) این حدیث را هنگام عبور از نیشابور به طرف مرو بیان کردند. راویان این حدیث، همگی امامان معصوم‌اند تا به پیامبر (ص) و سرانجام به خداوند می‌رسد. به همین دلیل، این حدیث را «سلسلة الذهب» به معنای «زنجیرة زرّین» توصیف کرده‌اند. طبق برخی گزارش‌ها، همزمان با نقل حدیث، بیش از ۲۰ هزار نفر آن را مکتوب کردند.

تصویر منتخب

کاربران با هشتگ کار درست رأی خود را در شبکه‌های اجتماعی فریاد زدند

به امید روزهای خوب

کاربران شبکه‌های اجتماعی پس از انداختن رأی خود به صندوق با توئیت‌ها و نوشته‌های خود در شبکه‌های اجتماعی با هشتگ کار درست سایر شهروندان را به حضور پای صندوق‌های رأی دعوت کردند. همچنین با اعلام فراخوان سایت khamenei.ir برای انتشار صفحه مهر شناسنامه کاربران تصویری از صفحات شناسنامه خود را منتشر کردند. آنها تأکید داشتند رأی دادن فقط انتخاب یک شخص نیست، بلکه انتخاب چهار سال سرنوشت کشور، جامعه و خانواده‌هاست. همچنین برخی کاربران صندوق رأی و مردم‌سالاری را مهم‌ترین روش تعیین سرنوشت کشور دانستند و بر آن تأکید داشتند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را می‌خوانید.

■ **محمدمهدی رحیمی:**
البته این صف ایستادن‌ها شیرین می‌شوند وقتی بدانیم آغازی است برای پایان صف‌های تلخ؛ صف مرغ، صف سبد کالا، صف... #کار_درست

■ **نیاز ابراهیمی:**
امروز نشان دادیم که کار درست ایستادن پای نظام و آرمان‌های شهداست. با همه تلخی‌ها برای ایران سربلند رأی دادم.

■ **سعید تواناراد:**
یاعلی مدد، پاشید برید رأی بدید. رأی یعنی صدا، یعنی مطالبه، یعنی اعتراض. رأی ندادن یعنی رضایت به وضع موجود، یعنی بی‌خیالی، یعنی بی‌مسئولیتی! #کار_درست

■ **مهدی ترابی:**
رأی درست من + #کار_درست تو (رئیس‌جمهور) = جامعه درست ما #جهاد_دعوت

■ **کاربری با نام «یار مهربان»:**
کار درست اینه که نسبت به سرنوشت کشورمون بی‌تفاوت نباشیم... به امید روزهای خوب...

■ **زهرا دخت:**
به کوری چشم اسرائیل و نوچه‌هاش و به عشق رهبرم رأی دادم... #کار_درست

■ **مهران فاطمی:**
کار درست در میانه قرن ۲۱ فقط و فقط صندوق رأی است. برای ایران، برای پیشرفت، برای مقابله با تحریم، برای حاج قاسم رأی دادم. زنده‌باد ایران

■ **احمد نظام‌زاده:**
#کار_درست. با افتخار به وظیفه، شرعی، قانونی و ملی خود عمل نمودم.

■ **کاربری با نام «حاج حسین»:**
برای عزت ایران عزیز، برای اقتدار ایران بزرگ، برای سرافرازی پرچم مقدس جمهوری اسلامی و برای ناامید کردن دشمنان کینه‌توز و ستمکار ایران انقلابی من در انتخابات شرکت می‌کنم و رأی می‌دهم. به کوری چشم بدخواهان. #من_رأی_میدهم

■ **محسن حقی:**
عزم ملی، انتخاب ملی و اقتدار ملی. گلایه داشتیم از وضعیت کشور اما تصمیم به کار درست گرفتیم تا با رأی دادن به آقای رئیسی اعتراضمان به وضع موجود را فریاد بزنیم!

■ **کاربری با نام «مهدیه»:**
ما مأمور به تکلیفیم نه مأمور به نتیجه. با ادله درست انتخاب میکنیم. پای انتخابمون وایمیستیم. ازش مطالبه میکنیم و به امید ایرانی قوی. #کار_درست

■ **رضا زنگنه:**
حاج قاسم میگفت کل جمهوری اسلامی ایران حرمه... امروز که رأی میدیم بدونید مدافع حرم شدیم، همرزم حاج قاسم شدیم... #کار_درست #رأی_دادم

افزایش تولید؛ محور سیاست‌های رفاهی

احمد میدری در کانال تلگرامی خود با توجه به شعارهای نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری یادداشتی مبسوط در خصوص سیاست‌های رفاهی در دولت آینده نوشت. چکیده‌ای از یادداشت او را در ادامه می‌خوانید: اگر سیاست‌های رفاهی به‌خوبی طراحی نشود، ممکن است تجربه‌های تلخی به دنبال داشته باشد. سیاست رفاهی نباید به تورم منجر شود یا با تولید یا اشتغال ناسازگار باشد. یعنی محور نخست در تدوین سیاست‌های رفاهی باید کنترل تورم و ایجاد اشتغال و افزایش تولید باشد. به‌عنوان یک نمونه از کشورهایی که به دنبال ایجاد سیاست‌های رفاهی بودند اما تورمی فاجعه‌بار را ایجاد کردند، کشور زیمباوه است. این کشور در سال ۲۰۰۰ برای ایجاد عدالت اجتماعی اراضی را بین کشاورزان تقسیم کرد. در این کشور حدود دوسوم جمعیت در روستاها زندگی می‌کردند و ابتدا تصور می‌شد که این سیاست می‌تواند به برابری بیشتر و تحقق عدالت اجتماعی منجر شود. بانک‌ها نیز وام‌های زیادی به کشاورزان دادند اما نتیجه این بود که بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ تورمی حدود ۷۹۰ میلیون برابر ایجاد کرد. یعنی اگر قیمت کالایی یک تومان بود، بعد از گذشت هشت سال به ۷۹۰ میلیون تومان افزایش پیدا کرد.
اما اگر سیاست‌های رفاهی به شکل درستی طراحی شوند موجب انسجام ملی می‌شوند. به‌عنوان یکی از تجربه‌های موفق در این حوزه می‌توان به کشور آلمان اشاره کرد. آلمان یک کشور صنعتی خودروساز و اولین کشوری بود که هواپیمای صنعتی ساخته بود. در این کشور پس از جنگ جهانی اول به دلیل تحریم‌های اقتصادی و غرامت جنگ، قیمت یک نان به ۲۰۰ میلیون مارک رسید. کشور آلمان از طریق تأسیس صندوق‌های بازنشستگی و سپس بیمه‌های درمانی توانست انسجام ملی را به‌شدت افزایش دهد. همین امر موجب کاهش مهاجرت آلمانی‌ها به کشورهایی همچون انگلستان و امریکا شد. درمان رایگان برای همه آحاد ملت ابزاری بود که موجب شد مردم این احساس را داشته باشند که هیچ تفاوتی بین مسئولان ارشد و افرادی که کمترین درآمد را داشتند، وجود ندارد. این امر موجب ایجاد احساس همبستگی ملی می‌شد.
یک نمونه از سیاست‌های رفاهی نادرست در ایران، قوانین بازنشستگی است. در ایران به‌طور متوسط ۲۳ سال حق بیمه می‌دهیم اما ۲۷سال مستمری از صندوق‌های بازنشستگی دریافت می‌کنیم. در ایران در سن ۵۰ سالگی می‌توان بازنشسته شد و در نیروهای مسلح در ۴۵ سالگی، در شرایط سخت مثل صنعت فولاد نیز با ۴۲ سال می‌توان بازنشسته شد. در کشورهایی با نظام رفاهی قدرتمند، سن بازنشستگی ۶۵ سال است و فرد نمی‌تواند زودتر بازنشسته شود. اما فرد در دوره بازنشستگی مستمری بیشتری می‌گیرد. در ایران ۹۰ درصد بازنشستگان سنی پایین‌تر از ۶۰ سال دارند و این افراد به شغل دیگری وارد می‌شوند و فرصت اشتغال جوانان را کاهش می‌دهند.
هم ایران و هم ونزوئلا در سال گذشته بیشتر از ۵میلیارد دلار درآمد نفتی نداشته‌اند اما ایران به سرنوشت ونزوئلا دچار نشد، زیرا ایران در طول سال‌ها ظرفیت تولیدی خود را افزایش داد. حتی امروزه کالاهای ایرانی در ونزوئلا فروخته می‌شوند. ایران از سال ۱۹۷۹ تحریم بود و تحریم‌های سنگین سال ۱۳۹۰ و تشدید فشار حداکثری در سال ۱۳۹۷ نتوانست تجربه عراق یعنی تحریم و تسخیر، تجربه یوگسلاوی یعنی اول تحریم و بعد دو شقه کردن کشور و نابودی امروز ونزوئلا را در ایران تکرار کند.

ما در منطقه‌ای زندگی می‌کنیم که حداقل تا ۲۰ سال آینده سرنوشت انرژی دنیا در همین منطقه رقم می‌خورد. ما به هر شکلی رفتار کنیم خطر تحریم و مقابله با امریکا وجود دارد. شاهد آن هستیم که ترکیه در سال گذشته توسط امریکا تحریم شده است. ترکیه نه ارتباطی به لبنان دارد، نه سیاست‌های خارجی‌اش با امریکا تنش زیادی دارد ولی ترکیه هم مشمول تحریم می‌شود.
در طول ۴۰ سال گذشته محصولات زراعی ما از ۱۰ میلیون تن به ۶۰ میلیون تن رسیده است. در این مدت جمعیت ما حدود دو برابر شده است اما محصولات کشاورزی ۶ برابر شده است. البته در برخی حوزه‌ها وضع متفاوت بوده است. به‌عنوان مثال در محصولات روغنی با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از آن وارداتی بود شاهد افزایش شدید قیمت بودیم ولی رشد محصولات کشاورزی به حدی بوده که به وضعیتی بحرانی مثل ونزوئلا دچار نشویم که در اثر تحریم‌ها ۹۰ درصد مردم زیرخط فقر خوراکی بروند و قحطی به وجود بیاید. بنابراین هر سیاست رفاهی که دولت آینده دنبال می‌کند، حتماً باید افزایش تولید را مقدم بداند و سیاست‌های صحیح رفاهی را ایجاد کند.

روز دستبوسی

احسان تقدسی در توئیتی نوشت: فارغ از نتیجه انتخابات جمعه باید دست همه آنهایی را که برای افزایش مشارکت تلاش می‌کنند بوسید.

تلاشی برای پیشرفت و سربلندی ایران

محمدعبداللهی توئیت کرد: تلاش برای مشارکت حداکثری از جذاب‌ترین و به یادماندنی‌ترین خاطرات انتخابات ۱۴۰۰ است. تلاشی برای پیشرفت کشور و سربلندی ایران فارغ از هر شخص و شخصیتی.

عاقل کیست؟

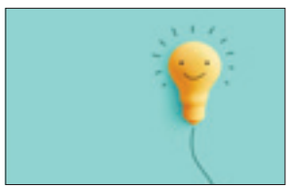

کانال تلگرامی «آب‌وآتش» حکایتی از کتاب ارزشمند تذکرة الاولیا را به اشتراک گذاشت؛ می‌خوانیم: نقل است که [امام جعفر] صادق از ابوحنیفه پرسید که «عاقل کیست؟» گفت: «آنکه تمییز کند میان خیر و شر». صادق گفت: «بهایم نیز تمییز توانند کرد، میان آنکه او را بزنند یا او را علف دهند». ابوحنیفه گفت: «به نزدیک تو عاقل کیست؟». گفت: «آن که تمییز کند میان دو خیر و دو شر. تا از دو خیر، خیر الخیرین اختیار کند و از دو شر، خیر الشّرین برگزیند.»
منبع: تذکرة الاولیا، فریدالدین عطار نیشابوری، به تصحیح دکتر محمد استعلامی، ذکر ابن محمد جعفر الصادق علیه‌السلام، (چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات زوّار، ۱۳۸۲)، صفحه ۱۵.

مصطفی چمران سید بود

سکینه‌سادات اسدآبادی در روزنامه الکترونیکی «حق» نوشت: بر مدار حق که عمل کنی، امل را بنیان می‌نهی. جنبشی که خیلی زود در خاک حاصلخیز مقاومت جوانه زد و به میوه مبارک حزب‌الله منتهی شد. بی‌خود نیست که ما همه نصرالله را از چشم چمران می‌بینیم. مصطفای عجیباً غریبایی که همه بچه‌هایش هم مصطفی شدند؛ سیدمصطفی. سیدمصطفی صدرزاده، سیدمصطفی موسوی و سیدمصطفی صادقی. مصطفی نام تمام مدافعان حرم است.
این واقعه را قرآن به خوبی شرح داده: «والسابقون السابقون. اولئک المقربون. فی جنات النعیم. ثلة من الاولین و قلیل من الاخرین. علی سرر موضونة. متکئین علیها متقابلین». شمع اگر چمران باشد، جمع بچه‌سیدها جمع است. آقاهای مقاومت. حضرت آقا چقدر آقا دارد در پهن‌دشت منطقه. سیدعلی چقدر سید دارد در جبهه مقاومت. لطفاً مصطفی چمران را هم «سید» حساب کنید. مگر می‌شود پدر معنوی «هم الغالبون» سید نباشد؟ مگر می‌شود دکتر مصطفی از نطفه محمد مصطفی نباشد؟ اگر آفتاب محترم آفتاب‌گردان‌ها ریشه در پیشانی نورانی ختم المرسلین نداشت، پس چرا همه ثمرات چمران، یکی پس از دیگری سید از کار درآمدند؟ من این شجره‌نامه‌های کاغذی را قبول ندارم!
حسن عبدالله‌زاده هم سید بود. سیدحسن عبدالله‌زاده. شهید سیدحسن عبدالله‌زاده. هر که برای حرم عمه سادات، سینه خود را سپر تیرهای بلا کند، فرزند بلافصل امام کرب‌وبلاست. هر که برای حرم رقیه حسین، سینه خود را سپر تیرهای جور کند، فرزند بلافصل امام عاشوراست. گفت: «کل ارض کربلا؛ کل یوم عاشورا». شهید سیدحسن عبدالله‌زاده ادامه منطقی حسین بن علی علیه‌السلام بود و الا اسم بچه اولش را نمی‌گذاشت علی‌اکبر. رد امام دهلاویه را بگیر در جنوب. عطر نینوا می‌شنوی. این همان رایحه دلنواز سیدالشهداست که دیانتش عین حریتش بود و حریتش عین دیانتش. زندگی‌اش عین شهادتش بود و شهادتش عین زندگی‌اش. زینب اینها را در برادر خود جمع دیده بود که در برابر یزید و ناظر بر حسین حی و حاضر، ناگهان برداشت و تاریخی‌ترین جمله همه تاریخ را گفت: «ما رأیت الا جمیلا».
دیروز شهادت چمران نشان داد ما رأیت الا جمیلا و امروز شهادت عبدالله‌زاده نشان داد که باز هم ما رأیت الا جمیلا. واقعه شگرفی است: «فسبح بأسم ربک العظیم». حقا که تسبیح مخصوص خدایی است که عبدالله‌زاده را از همان خاک چمران به افلاک برد تا برای همیشه سر علی‌اکبر و مهدیه و عباس بالا باشد...
متن کامل این یادداشت را می‌توانید در کانال تلگرامی «حق» بخوانید.

گرفتار در «تا»های زائد

حسن فرامرزی در صفحه اینستاگرامی خود نوشت: یکی از اصلی‌ترین گره‌های زندگی ما گرفتار شدن در «تا»های زائد است که عمل ما را از خلوص خود جدا و زندگی ما را درگیر آشوب می‌کند.
آب می‌خورم «تا» تشنگی من برطرف شود: شما در این گزاره دارید آب را از خلوص آن جدا می‌کنید، دارید با آب رفتار غیرمنصفانه‌ای انجام می‌دهید. انگار که آب خود نمی‌داند عهده‌دار چنین نقش و وظیفه‌ای است و شما اعتمادی ندارید که آب بی‌تذکر و یادآوری شما بتواند مسئولیت خود را در رفع تشنگی شما به نحو احسن انجام دهد، بنابراین من دارم وظیفه آب را به او گوشزد می‌کنم.
من مدیتیشن انجام می‌دهم «تا» آرامش بگیرم. من عبادت می‌کنم «تا» از خدا پاداش بگیرم. من کار می‌کنم «تا» پول و جایگاه اجتماعی نصیبم شود.
در همه این موقعیت‌ها ما «تا»های زائد را خلق می‌کنیم و بارِ کار، عبادت یا مدیتیشن می‌کنیم و ناگفته پیداست آن کار، عبادت یا مدیتیشن دیگر به درد نمی‌خورد چون از خلوص خود جدا شده است.
وقتی می‌گویم تا... بلافاصله در زندگی‌ام شکاف، درد و تردید ایجاد می‌کنم: نکند به موفقیت و جایگاهی نرسم، نکند پاداشی در کار نباشد، نکند آرامشی ایجاد نشود.
حافظ یک بیت شاهکار درباره ضرورت اجتناب از این «تا»های زائد دارد:
تو بندگی چو گدایان به‌شرط مزد مکن/ که خواجه خود روش بنده‌پروری داند

حلقه مفقوده اقتصاد کشور؛ تولید یا FATF

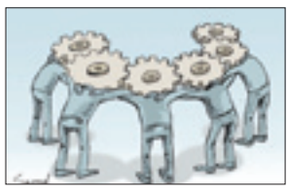

علی محمدی در کانال تلگرامی «تحلیل راهبردی» نوشت: بازخوانی فضای مناظرات و رویکردهای برخی نامزدهای ریاست جمهوری در خصوص علت‌المعلول مشکلات اقتصادی کشور، این مهم را آشکار ساخت که متأسفانه جریانی همچنان اصرار دارد تا رفع تحریم‌ها را به‌عنوان اصلی‌ترین حلقه مفقوده اقتصاد کشور معرفی کند. تا آنجا که برخی کاندیداها، با تحریف در زمینه برخی کنوانسیون‌ها، دو ظلم آشکار را بر ملت روا داشتند:
یکی اینکه منتقدین برجام را مخالفین توسعه اقتصادی کشور معرفی کردند و دیگری آنکه در موضوع FATF، با نادیده گرفتن همکاری‌های ایران با کارگروه اقدام مالی، جریان انقلاب را عامل عدم خروج کشور از لیست سیاه این کارگروه معرفی نمودند.
۱) واقعیتی که همه اقتصاددانان بر آن تأکید دارند این است که حلقه مفقوده اقتصاد، تولید است و نه کنوانسیون‌های بین‌المللی. در واقع تورمی که در اقتصاد شاهد هستیم ریشه در بخش عرضه (تولید) دارد.
۲) جریانی با تحریف واقعیت‌ها ادعا می‌کند که حضور در لیست سیاه کارگروه مانع از تجارت با کشورهای دوست مثل عراق شده است. در صورتی که آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد ایران در سال شمسی گذشته قریب به ۹میلیارد دلار تجارت با کشور عراق داشته است.
۳) واقعیت دیگر آن است که کارکرد اصلی کارگروه FATF در ایران، ایجاد شفافیت در مسیرهای دور زدن تحریم‌هاست. استدلال اصلی منتقدین نیز این است که چرا باید توصیه‌هایی را اجرا کنیم که با پذیرش تعهدات مضاعف، هم راه‌های دور زدن تحریم‌ها افشا شود و هم تضمینی برای بهبود روابط بانکی نباشد، چراکه خود کارگروه در بیانیه مختلف ادعا کرده که اجرای همه توصیه‌ها از ایران نیز نمی‌تواند تضمین دهنده خروج ایران از لیست سیاه باشد.
۴) طبق گزارش بانک مرکزی، نرخ رشد اقتصادی کشور در سال ۹۹ نیز ۲/۲ درصد بوده است. تجارت خارجی کشور برخلاف حامیان FATF با وجود قرار گرفتن در لیست سیاه این نهاد نه‌تنها صفر نشد، بلکه رقم ۷۳ میلیارد دلار را ثبت کرد. در سال‌های قبل از برجام نیز با وجود قرار داشتن در لیست سیاه کارگروه اقدام مالی، تجارت خارجی با کشورهای دنیا، رقمی بسیار مناسب‌تر از سال‌های بعد از امضای برجام است.
۵) همین موضوع نشان می‌دهد که رویکرد کارگروه نسبت به ایران کاملاً سیاسی است و نه فنی و تحت تأثیر تحولات توافق هسته‌ای و رویکردهای کاخ سفید قرار دارد، چراکه با وجود اجرای ۳۹ توصیه از ۴۱ توصیه، همچنان هیچ تغییری در وضعیت ایران شکل نگرفته است.
اگرچه حل و فصل اختلافات با کارگروه اقدام مالی، مهم بوده و باید برای بهبود روابط بانکی، راه‌حلی میانه با آن کارگروه پیدا کرد، اما تا زمانی که نگاه این کارگروه نسبت به ایران یک نگاه سیاسی است، نباید این موضوع در اولویت قرار گیرد. اولویت اصلی، تنوع‌بخشی به زمین‌های بازی در عرصه سیاست خارجه و اقتصاد است. به این معنا که باید از طریق ایجاد تفاهمنامه‌های راهبردی با کشورهای همسایه و شرق، به تنوع‌بخشی در تجارت خارجی پرداخت، نه اینکه همه تخم‌مرغ‌ها را در سبد غرب قرار داد.
برای مثال سند راهبردی ایران و چین نیاز کشورمان به FATF را کمتر می‌کند. در این سند، تأسیس یک بانک ایرانی و چینی پیش‌بینی شده است که تجارت دو کشور ذیل این تفاهمنامه را از طریق ارزهای دو کشور، مدیریت می‌نماید.